



تحقیق پایانی سطح ۲ تخصصی

رشته: علوم اسلامی

گرایش: تعلیم و تربیت

تأثیر شبکه های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین مهدی جهانی (زید عزه)

دانش پژوه: محمد جواد اکبری

تیر ۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر

با تشکر و قدردانی از زحمات عزیزان و دوستانی که بنده را در انجام دادن و تکمیل این تحقیق یاری دادند، به خصوص تشکر از اساتید معظم و مکرم خودم جناب حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد مهدی جهانی (زیدعزه) و حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد کریمی (زیدعزه) که پیگیری این بزرگواران باعث به نتیجه رسیدن این تحقیق شد و از درگاه الهی برای این اساتید بهترین ها را مسألت می کنم و سلامتی آنها را از خدای متعال خواستارم و انشاءالله این تحقیق مورد عنایت حضرت ولیعصر (ارواحنا له الفداه) قرار گیرد.

تقدیم

این تحقیق را تقدیم می‌کنم به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و امیدوارم مورد توجه خاصه حضرت واقع گردد.

چکیده

گسترش فناوری‌های ارتباطی و افزایش دسترسی به اینترنت، موجب حضور گسترده کودکان در شبکه‌های اجتماعی شده است. این شبکه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی عصر حاضر، نقش مؤثری در شکل‌گیری نگرش‌ها، رفتارها و تعاملات اجتماعی افراد، به ویژه کودکان، ایفا می‌کنند. از این رو، بررسی آثار این فضا بر تربیت اجتماعی کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دوره سنی ۷ تا ۱۲ سالگی از مراحل مهم رشد اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا کودکان در این سن مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری، همکاری و رعایت هنجارهای اجتماعی را فرا می‌گیرند. در گذشته، خانواده و مدرسه مهم‌ترین عوامل تربیت اجتماعی بودند، اما امروزه شبکه‌های اجتماعی نیز به یکی از عوامل تأثیرگذار در فرآیند جامعه‌پذیری کودکان تبدیل شده‌اند.

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت‌هایی مانند افزایش آگاهی، تقویت ارتباطات و دسترسی به محتوای آموزشی را فراهم کنند؛ اما در صورت استفاده نامناسب، ممکن است پیامدهایی همچون کاهش تعاملات حضوری، الگوبرداری از رفتارهای نامطلوب و تضعیف مهارت‌های اجتماعی را به همراه داشته باشند. با توجه به گسترش استفاده کودکان از شبکه‌های اجتماعی و اهمیت تربیت اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت آنان، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال می‌پردازد و تلاش می‌کند فرصت‌ها، تهدیدها و راهکارهای بهره‌گیری صحیح از این فضا را شناسایی کند.

رشد اجتماعی کودک در بستر خانواده، گروه همسالان و تعاملات واقعی اجتماعی تحقق می‌یابد و هر عاملی که موجب اختلال در این فرآیند گردد، نیازمند مدیریت و هدایت تربیتی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استفاده هدایت‌شده از شبکه‌های اجتماعی در چارچوب ارزش‌های اسلامی می‌تواند به فرصتی برای رشد اجتماعی کودکان تبدیل شود، اما فقدان نظارت و آموزش رسانه‌ای، این فضا را به تهدیدی برای تربیت اجتماعی آنان مبدل خواهد ساخت.

محقق در این تحقیق درصدد بیان تاثیراتی است که کودکان از همه بیشتر در معرض آن بوده و تاثیر بسیار زیادی بر سبک زندگی آنها خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: تربیت، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی

Contents

چکیده	۶
مقدمه:	۱۰
(فصل اول): کلیات و تعاریف	۱۲
الف) کلیات:	۱۲
۱. بیان مسئله:	۱۲
۲. اهمیت و ضرورت:	۱۵
سوالات تحقیق:	۱۵
۵. پیشینه:	۱۶
- جمع بندی پیشینه	۱۷
ب) مفاهیم	۱۸
۱. تربیت:	۱۸
۲. شبکه های اجتماعی	۲۰
فصل دوم: ادبیات علمی و نظریات	۲۲
۱. جایگاه شبکه های اجتماعی در جامعه پذیری نسل جدید	۲۲
۲. ویژگی های رشدی کودکان و نوجوانان در مواجهه با شبکه های اجتماعی	۲۳
۳. شبکه های اجتماعی؛ فرصت یا تهدید؟	۲۳
۴. نقش خانواده در مدیریت تربیت اجتماعی در عصر شبکه های اجتماعی	۲۴
۵. نظریه های مطرح در مراحل رشد و تربیت اجتماعی کودکان	۲۵
الف) نظریه ژان پیاژه	۲۵

۲. نظریه فروید	۲۷
۳. نظریه و دیدگاه اسلام:	۳۰
(فصل سوم):تاثیر شبکه های اجتماعی	۳۱
الف. اثرات مثبت شبکه‌های اجتماعی بر نوجوانان	۳۱
۱. تقویت ارتباط اجتماعی	۳۱
۲. رشد مهارت‌های ارتباطی و هویت‌یابی	۳۱
۳. دسترسی به آموزش و اطلاعات	۳۲
۴. آگاهی اجتماعی و فعالیت مدنی	۳۳
۵. تقویت هویت فرهنگی و دینی	۳۳
۶. رشد سواد رسانه‌ای	۳۳
۷. توسعه خلاقیت و نوآوری	۳۴
۸. تقویت سرمایه اجتماعی	۳۴
۹. ارتقای مهارت حل مسئله	۳۴
ب. اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر کودکان و نوجوانان	۳۵
۱. افسردگی و اضطراب:	۳۵
۲. اعتیاد به فضای مجازی:	۳۵
۳. زورگویی سایبری: (Cyberbullying)	۳۵
۴. اختلال خواب و کاهش تمرکز:	۳۶
۵. نارضایتی از تصویر بدن:	۳۶
(فصل چهارم):	۳۶
راهکارهای تربیتی برای مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان (۷ تا ۲۱ سال)	۳۶

۱. نقش خانواده در مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۳۷
۲. نقش مدرسه و نظام آموزشی	۳۷
۳. نقش رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی	۳۸
۴. آموزش سواد رسانه‌ای	۳۸
۵. راهکارهای روان‌شناختی	۳۹
۶. راهکارهای اسلامی در تربیت رسانه‌ای	۴۰
۷. راهکارهای پیشنهادی برای سیاست‌گذاران	۴۰
فصل پنجم	۴۲
الگوی پیشنهادی تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان در عصر شبکه‌های اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی و یافته‌های علوم تربیتی	۴۲
۱. مبانی الگوی پیشنهادی	۴۲
۲. ارکان الگوی پیشنهادی	۴۳
الف. خانواده؛ نخستین کانون تربیت دیجیتال	۴۳
ب. مدرسه؛ محور آموزش سواد رسانه‌ای	۴۳
۳. جامعه و نهادهای فرهنگی	۴۴
نتیجه‌گیری	۴۵

مقدمه:

در دهه‌های اخیر، پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و گسترش دسترسی به اینترنت، زمینه ظهور و توسعه شبکه‌های اجتماعی را فراهم کرده است. این شبکه‌ها به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره افراد تبدیل شده‌اند و نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها، رفتارها و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند. کودکان نیز به عنوان یکی از گروه‌های پرکاربر فضای مجازی، بیش از گذشته در معرض محتوای شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و این موضوع می‌تواند بر ابعاد مختلف رشد و تربیت آنان تأثیرگذار باشد.

تربیت اجتماعی کودکان، فرآیندی است که طی آن افراد مهارت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های تعامل با دیگران را فرا می‌گیرند و برای ایفای نقش مؤثر در جامعه آماده می‌شوند. از آنجا که دوره سنی ۷ تا ۱۲ سال از مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری شخصیت و یادگیری رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود، بررسی عوامل مؤثر بر این فرآیند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شبکه‌های اجتماعی از یک سو می‌توانند فرصت‌هایی برای یادگیری، ارتباط و افزایش آگاهی اجتماعی فراهم آورند و از سوی دیگر، ممکن است زمینه‌ساز برخی آسیب‌ها و چالش‌های تربیتی شوند.

با توجه به گسترش روزافزون استفاده کودکان از فضای مجازی و نقش تعیین‌کننده تربیت اجتماعی در آینده فرد و جامعه، مطالعه تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر درصدد است تا ابعاد مختلف این تأثیرات را مورد بررسی قرار داده و زمینه شناخت بهتر فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از شبکه‌های اجتماعی را فراهم سازد.

در دیدگاه اسلامی، تربیت اجتماعی بخشی جدایی‌ناپذیر از تربیت انسان است. اسلام انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که کمال او در بستر ارتباطات سالم اجتماعی تحقق می‌یابد. قرآن کریم هدف از آفرینش تفاوت‌های قومی و اجتماعی را شناخت متقابل و تعامل سازنده میان انسان‌ها معرفی می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا.

بر اساس این آیه، ارتباط اجتماعی و تعامل انسانی از ارکان اساسی زندگی انسان به شمار می‌رود. از این رو، هر عاملی که بر کیفیت این تعاملات اثرگذار باشد، در فرایند تربیت اجتماعی نقش

تعیین کننده خواهد داشت. در این تحقیق سعی شده است با پاسخ به چیستی تاثیرات مثبت و منفی شبکه های اجتماعی بر مهارت های ارتباطی و تعاملی کودکان ۷ تا ۱۲ سال، چیستی تاثیر شبکه های اجتماعی بر تعامل کودکان ۷ تا ۱۲ سال با خانواده و مدرسه و سال را مشخص شود.

اهتمام به این مقاله با این موضوع به دلیل گسترش شبکه های اجتماعی در جامعه می باشد و در عین حال که موضوع بسیار مهمی هست، در مجامع علمی کم توجهی به این موضوع کاملاً محسوس می باشد. لازم به ذکر است که از استادام "حجت الاسلام مهدی جهانی" که در این مقاله بنده را یاری دادند سپاس گذارم و طول عمر با عزت و موفقیت در تمام مراحل زندگی را برایشان خواستارم.

(فصل اول): کلیات و تعاریف

الف) کلیات:

۱. بیان مسئله:

در عصر حاضر، گسترش فناوری‌های ارتباطی و توسعه اینترنت موجب تغییرات گسترده‌ای در سبک زندگی، الگوهای ارتباطی و فرآیندهای تربیتی افراد، به‌ویژه کودکان شده است. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی دنیای معاصر، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری نگرش‌ها، رفتارها و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند. کودکان نیز به‌عنوان یکی از گروه‌های پرمخاطب فضای مجازی، بیش از گذشته در معرض استفاده از شبکه‌های اجتماعی و محتوای متنوع آن قرار گرفته‌اند؛ موضوعی که می‌تواند آثار مثبت و منفی متعددی بر فرآیند تربیت اجتماعی آنان برجای گذارد.

دوره سنی ۷ تا ۱۲ سالگی، یکی از حساس‌ترین مراحل رشد اجتماعی کودک به‌شمار می‌رود؛ زیرا در این دوره، کودک به تدریج مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی، رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را فرا می‌گیرد و شخصیت اجتماعی او شکل می‌یابد. در گذشته، خانواده، مدرسه و گروه همسالان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت اجتماعی کودکان محسوب می‌شدند؛ اما امروزه شبکه‌های اجتماعی نیز به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار نوظهور، وارد این فرآیند شده‌اند و در بسیاری از موارد نقش پررنگی در الگوپذیری رفتاری، شکل‌گیری باورها و شیوه تعاملات اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند.

از یک سو، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت‌هایی همچون افزایش آگاهی اجتماعی، توسعه مهارت‌های ارتباطی، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، تقویت یادگیری مشارکتی و دسترسی به محتوای آموزشی را برای کودکان فراهم آورند. از سوی دیگر، استفاده نامناسب و کنترل‌نشده از این فضا ممکن است پیامدهایی نظیر کاهش تعاملات اجتماعی واقعی، الگوبرداری از رفتارهای نامناسب، وابستگی رسانه‌ای، تضعیف مهارت‌های ارتباط حضوری، بروز رفتارهای پرخطرانه و کاهش نظارت تربیتی

خانواده را در پی داشته باشد. افزون بر این، قرار گرفتن کودکان در معرض محتوای نامتناسب با سن، یکی از چالش‌های جدی در مسیر تربیت اجتماعی آنان به شمار می‌آید.

با توجه به مبانی اسلامی و دینی؛ تربیت صحیح کودک مستلزم هدایت تدریجی او در مسیر رشد عقلانی، اخلاقی و اجتماعی است. چنانچه ابزارهای نوین ارتباطی بدون نظارت تربیتی مورد استفاده قرار گیرند، ممکن است فرآیند طبیعی جامعه‌پذیری را مختل کنند. از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری بر تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال دارند و این تأثیرات از منظر آموزه‌های اسلامی چگونه قابل تبیین است؟

گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ روزافزون اینترنت، سبک زندگی کودکان را به طور بنیادین دگرگون ساخته است. امروزه شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری کودکان تبدیل شده‌اند و در کنار خانواده، مدرسه و گروه همسالان، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها، هویت و رفتارهای اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، بخش قابل توجهی از کودکان پیش از رسیدن به سن ۱۳ سالگی به انواع شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها دسترسی دارند و میانگین زمان استفاده روزانه آنان از رسانه‌های دیجیتال در بسیاری از کشورها به چند ساعت در روز می‌رسد. همچنین گزارش‌های منتشرشده از سوی نهادهای بین‌المللی همچون یونیسف (UNICEF)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نشان می‌دهد که حضور کودکان در فضای مجازی با سرعتی بیش از گذشته در حال افزایش است و این روند، فرصت‌ها و تهدیدهای تازه‌ای را در حوزه تربیت اجتماعی ایجاد کرده است.

در ایران نیز اگرچه آمار رسمی و جامعی درباره میزان عضویت کودکان در شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد، اما نتایج پیمایش‌های ملی درباره استفاده از اینترنت و فضای مجازی، همچنین گزارش‌های مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و پژوهشگاه‌های حوزه ارتباطات نشان می‌دهد که دسترسی کودکان به تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. این افزایش دسترسی، ضرورت مطالعه علمی درباره آثار تربیتی و اجتماعی این رسانه‌ها را دوچندان می‌کند؛ زیرا بسیاری از الگوهای رفتاری، شیوه‌های ارتباطی، سبک زندگی و حتی هویت فرهنگی کودکان، تحت تأثیر تعامل مستمر با محتوای شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

با وجود گسترش پژوهش‌های مرتبط با رسانه‌های نوین، بررسی پیشینه مطالعات نشان می‌دهد که اغلب تحقیقات داخلی بر پیامدهای روان‌شناختی، اعتیاد رسانه‌ای یا آسیب‌های فضای مجازی متمرکز بوده‌اند و کمتر به تربیت اجتماعی کودکان به عنوان یک مفهوم چندبعدی پرداخته‌اند. همچنین بخش قابل توجهی از مطالعات موجود، فاقد رویکرد تلفیقی میان نظریه‌های علوم ارتباطات، روان‌شناسی رشد و مبانی تربیت اسلامی هستند. از سوی دیگر، پژوهش‌های اندکی به ارائه راهکارهای کاربردی برای خانواده، مدرسه و سیاست‌گذاران فرهنگی با تکیه بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. این خلأ علمی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

انتخاب گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال نیز مبتنی بر ملاحظات علمی و تربیتی است. این دوره که هم‌زمان با سال‌های دبستان است، از مهم‌ترین مراحل رشد شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودک محسوب می‌شود. در این سن، کودک علاوه بر خانواده، تعامل گسترده‌تری با مدرسه، همسالان و رسانه‌ها پیدا می‌کند و بسیاری از هنجارها، مهارت‌های ارتباطی، ارزش‌های اجتماعی و عناصر هویت فردی و جمعی او شکل می‌گیرد. بنابراین، هرگونه تأثیر مثبت یا منفی شبکه‌های اجتماعی در این مقطع می‌تواند آثار بلندمدتی بر شخصیت و سبک زندگی فرد در دوره نوجوانی و بزرگسالی برجای گذارد.

اهمیت این موضوع در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان و ارتقای شایستگی‌های اجتماعی و اخلاقی آنان تأکید دارد. سیاست‌های کلی خانواده نیز خانواده را مهم‌ترین نهاد تربیت اجتماعی معرفی کرده و بر تقویت نقش والدین در مواجهه با تحولات فرهنگی و رسانه‌ای تأکید می‌کند. همچنین سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی بر ضرورت تأمین محیطی ایمن، سالم و متناسب با اقتضائات رشدی کودکان در فضای مجازی تأکید دارد و سند ترویج و ارتقای سواد فضای مجازی نیز افزایش سواد رسانه‌ای و توانمندسازی کودکان، خانواده‌ها و نظام آموزشی را از مهم‌ترین راهبردهای مواجهه هوشمندانه با فضای مجازی می‌داند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر این اسناد و با بهره‌گیری از مبانی علمی و اسلامی، تصویری جامع از آثار شبکه‌های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان ارائه کرده و راهکارهایی برای بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدهای این رسانه‌ها پیشنهاد کند.

۲. اهمیت و ضرورت:

با توجه به گسترش روزافزون استفاده کودکان از تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی و همچنین اهمیت تربیت اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای آینده آنان، ضرورت بررسی علمی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان بیش از پیش احساس می‌شود. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری بر تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال دارند و این تأثیرات تا چه اندازه می‌تواند در تقویت یا تضعیف فرایند اجتماعی‌شدن کودکان مؤثر باشد. همچنین این پژوهش در پی آن است که ضمن شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از استفاده کودکان از شبکه‌های اجتماعی، راهکارهایی برای مدیریت صحیح و بهره‌گیری هدفمند از این فضا در راستای تربیت اجتماعی مطلوب ارائه دهد.

ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که استفاده گسترده کودکان از شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر فرصت‌های آموزشی و ارتباطی، می‌تواند پیامدهای تربیتی و اجتماعی مختلفی به همراه داشته باشد. شناخت دقیق این پیامدها به والدین، معلمان و مسئولان آموزشی کمک می‌کند تا با برنامه‌ریزی مناسب، زمینه بهره‌مندی از آثار مثبت شبکه‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های احتمالی آن را فراهم سازند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در تدوین راهکارهای آموزشی و تربیتی متناسب با نیازهای کودکان در عصر دیجیتال مؤثر واقع شود.

سوالات تحقیق:

-سوال اصلی:

تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال چیست؟

-سوال فرعی:

۱. تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر مهارت‌های ارتباطی و تعاملی کودکان ۷ تا ۱۲ سال با جامعه

چیست؟

۲. تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر کودکان ۷ تا ۱۲ سال با خانواده چیست؟

۳. تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر الگوپذیری در کودکان ۷ تا ۱۲ سال چیست؟

۴. فرضیه:

۱. استفاده شبکه های اجتماعی بر تعامل کودکان ۷ تا ۱۲ سال با خانواده تاثیر دارد و کنترل بر میزان استفاده کودکان از شبکه های اجتماعی باعث بهتر شدن تعامل کودکان با خانواده می شود.
۲. استفاده از شبکه های اجتماعی بر برالگو پذیری نقش دارد و کودکان با الگوپذیری از شبکه های اجتماعی سبک زندگی خود را پیدا می کند.
۳. استفاده از شبکه های اجتماعی بر مهارت های ارتباطی و تعاملی کودکان ۷ تا ۱۲ سال تاثیر دارد.
۴. شبکه های اجتماعی باعث کاهش مسئولیت اجتماعی در کودکان و همچنین ترویج دهنده پر خاشگری می شود و باید آن را مدیریت کرد.
۵. ابزار های رسانه ای مثل تلویزیون، رادیو، ماهواره و... تاثیر بسزایی در تربیت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۲ سال دارند و ترویج دهنده نکات منفی، فحشا و فساد هستند.

۵. پیشینه:

مطالعات انجام شده در حوزه رسانه های نوین و تربیت اجتماعی کودکان نشان می دهد که شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین ابزار های ارتباطی عصر دیجیتال، تأثیر قابل توجهی بر فرایند جامعه پذیری، یادگیری رفتار های اجتماعی و شکل گیری ارزش های کودکان دارند. پژوهشگران در سال های اخیر به بررسی ابعاد مختلف این تأثیرات پرداخته اند و نتایج متفاوتی گزارش کرده اند.

۱. پژوهش سرکار خانم فهیمه سلیمی (۱۳۹۶): ایشان در این مقاله به خوبی نقش رسانه های جمعی را در تعلیم و تربیت کودکان و به صورت تخصصی در حوزه تلویزیون بحث کردند. اما ایشان در این مقاله به صورت منسجم و تخصصی درباره نقش رسانه ها در یادگیری و تربیت کودکان به صورت عام پرداخته اند. به این معنا که ایشان تأثیرات و نقش رسانه ها را (تلویزیون) در ساحت های مختلف کودکان ۷ تا ۱۲ سال را بررسی کردند و مورد بحث قرار دادند.

اما در این مقاله به صورت تخصصی فقط نقش رسانه ها در ساحت تربیت اجتماعی کودکان می باشد و این ساحت را عمیقاً مورد بحث قرار می دهد.

۲. محمد شریف حیدری و ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۲): ایشان در این مقاله به موانع تربیت اجتماعی کودکان در خانواده ها پرداخته و این موضوع را با رویکرد اسلامی و با توجه به مبانی و ارزش های دینی بررسی کرده اند.

۳. زهرا محمد و سید محمود کاویانی (۱۴۰۰): ایشان در این پژوهش سعی کردند نقش فقه در تربیت اجتماعی را بررسی کنند و به این پرسش پاسخ دهد که علم فقه در تربیت اجتماعی افراد چه نقشی دارد. ولی در این مقاله نقش ها و تاثیرات شبکه های اجتماعی را بر تربیت اجتماعی مخصوصاً در تربیت سنین ۷ تا ۱۲ سال بیان نکردند.

۴. محمدرضا ضمیری (۱۳۸۴): ایشان در این پژوهش تلاش کرده تا آراء و نظرات امیرالمومنین را درباره تربیت اجتماعی نوجوان با محوریت نهج البلاغه به دست بیاورد و آن را مورد بررسی قرار بدهد. -تحلیل پیشینه

مرور مطالعات نشان می دهد که شبکه های اجتماعی پدیده ای دوجبهی هستند؛ از یک سو می توانند زمینه یادگیری، تعامل و کسب مهارت های اجتماعی را فراهم کنند و از سوی دیگر، در صورت استفاده نامناسب، ممکن است بر کیفیت روابط اجتماعی، ارزش ها و رفتارهای کودکان اثر منفی بگذارند. همچنین بیشتر پژوهش ها بر گروه نوجوانان متمرکز بوده اند و مطالعات اختصاصی درباره کودکان ۷ تا ۱۲ سال کمتر انجام شده است. این خلأ پژوهشی ضرورت بررسی دقیق تر تأثیر شبکه های اجتماعی بر تربیت اجتماعی کودکان در این گروه سنی را نشان می دهد.

- جمع بندی پیشینه

با وجود گسترش استفاده از شبکه های اجتماعی در میان کودکان، نتایج پژوهش ها درباره آثار تربیتی و اجتماعی این فضاها یکسان نیست. برخی مطالعات بر فرصت های آموزشی و ارتباطی تأکید کرده اند و برخی دیگر به پیامدهای منفی آن اشاره دارند. از این رو، انجام پژوهشی متمرکز بر کودکان ۷ تا ۱۲ سال می تواند به روشن شدن ابعاد مختلف تأثیر شبکه های اجتماعی بر تربیت اجتماعی این گروه سنی کمک کند.

ب) مفاهیم

۱. تربیت:

- در لغت

در زبان فارسی تربیت به معنای پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن می‌باشد.^۱

در عربی این واژه ممکن است از دو ریشه رَّبَّو و رَّبَّی باشد؛^۲ ریشه رَّبَّی به معنای حضانت و در دامان خود پروردن^۳. در ماده رَّبَّو گروهی از لغت‌شناسان به معنای رشد و نمو دانستند.^۴ و گروهی به معنای زیاد شدن و علو یافتن را از معانی تربیت نام برده‌اند و تصریح کردند.^۵

در واژه انگلیسی از کلمه education که به معنای پروراندن و پروراندن می‌باشد استفاده شده است.^۶ این کلمه که خاستگاه آن لاتینی است دارای دو ریشه: educare که به معنای تغذیه یا خوراک دادن است و educere که به معنی بیرون کشیدن و رهنمودن به... و خلاصه پروردن است.^۷ البته از کلمات دیگری می‌توان مفهوم تربیت را برداشت کرد؛ مثل Training، teaching و learning.

- در اصطلاح

نکته: اساساً تربیت، اصطلاحات مختلفی دارد که در کتاب ((فقه تربیتی؛ مبانی و پیش فرض‌ها))، به تفصیل مطرح شده است. اما در پژوهش به چند تعریف از تربیت می‌پردازیم:

۱. فرآیند تغییراتی که انسانی در انسان دیگر ایجاد می‌کند. این تغییر ممکن است در ساحت بدن یا فکر و شناخت و یا در حوزه عواطف و هیجانات و یا در حوزه اخلاق و نیز در حوزه رفتارهای سیاسی، اجتماعی و... باشد.^۸

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۳۱۲

۲. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳

۳. خلیل فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۵۷

۴. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳

۵. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ص ۳۴۰

۶. oxford

۷. گاستون میالاره، معنی و حدود علوم تربیتی، دکتر علی محمد کاردان، ص ۱

۸. علیرضا اعرافی، ثرآمدی بر تفسیر تربیتی، ص ۳۳.

۲. تربیت فرایند تدریجی رشد، نمو و حرکت همه جانبه‌ی متربّی در مسیر شکوفایی فطرت، فعلیت یافتن استعدادها در ابعاد مختلف و تکوین هویت مطلوب است.^۱

۳. مراد از تربیت، کمک رسانی به متربّی برای فرایند به فعلیت رساندن تمام استعدادها و توانایی‌های بالقوه او ایجاد تعادل و هماهنگی در تمام ابعاد وجودی وی برای وصول به هدف مطلوب.^۲

۴. مبنای دور کیم: تربیت، عملی است که نسل‌های بالغ بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی به حد بلوغ نرسیده‌اند انجام می‌دهند، و غرض از آن برانگیختن یک رشته حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی در کودک است که مقتضای جامعه سیاسی بر روی هم و محیط اجتماعی است که کودک اختصاصاً برای زندگانی در آن آماده می‌شود.^۳

۵. اتحادیه بین المللی پرورش نو: تربیت، عبارت است از فراهم کردن زمینه رشد حتی الامکان کامل توانایی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان عضو جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی ناپذیر است و یکی از نیروهای تعیین کننده این تحول است.^۴

۶. بعضی در تعریف یادگیری، تربیت را در مقابل یادگیری قرار دادند به این معنا که در تعریف یادگیری گفتند: ((یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می‌شود و نمی‌توان آن را به حالتهای موقتی بدن مانده آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا مصرف داروها پدید می‌آید.)) و بر اساس این تعریف فوق، یادگیری به تغییر می‌انجامد؛ یعنی بعد از کسب تجربه یادگیری موجود زنده، از جمله انسان، از حالت قبل از کسب تجربه به یک حالت تازه تغییر می‌یابد و این یادگیری چه پیچیده باشد، مثل دوچرخه سواری یا راندن اتوموبیل، چه ساده، مثل یادگیری یک شماره تلفن یا نام یک شخص می‌باشد.))

بنابراین با توجه به این تعریف می‌توان نتیجه گرفت که بعضی از تعریف‌هایی که از تربیت در کلام دانشمندان علوم تربیتی وجود دارد، این است که تربیت را در مقابل یادگیری قرار دادند و گفته‌اند که نتیجه یادگیری به تربیت ختم می‌شود و نکته مهم تر آن است که زمانی یادگیری در مقابل تربیت قرار می‌گیرد که تغییری که در طیف‌راند

۱. محمد شهریاری، تربیت کودک در اندیشه آیت الله سید علی خامنه‌ای، ص ۳۱ و ۳۲.

۲. علی اکبر حسینی شاهرودی و محمد حسین صاعد رازی، درسنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۳ و ۳۴.

۳. گاستون میالاره، معنی و حدود علوم تربیتی، دکتر علی محمد کاردان، ص ۵ و ۶.

۴. همان.

یادگیری انجام می‌شود، در فرد ایجاد یک تغییر نسبتاً پایدار باشد چون بسیاری از تغییراتی که ایجاد می‌شود ناشی از عوامل انگیزشی، هیجانی، خستگی، انطباق حسی، و مانند اینها می‌باشد. البته بعضی به صورت خاص یادگیری را فقط ایجاد رفتار نسبتاً پایدار در توان رفتاری بر اثر تجربه و یا فقط در توان رفتاری بدون در نظر گرفتن تجربه دانست.^۱

۷. تربیت، در مقابل اصطلاح education، به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد و نیز کمک به شکوفا استعدادهای آنان است.^۲

۲. شبکه های اجتماعی

الف. در لغت:

در زبان انگلیسی شبکه های اجتماعی (social media)، به معنای فضلی مجازی، شبکه های اجتماعی و رسانه های اجتماعی می‌باشد.^۳

در لغت فارسی، شبکه های اجتماعی را به معنای:

ب. در اصطلاح:

شبکه های اجتماعی، به مجموعه ای از افراد که به صورت گروهی با یک دیگر ارتباط داشته و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی ها، فعالیت ها و افکار خود را به اشتراک بگذارند، شبکه های اجتماعی می‌گویند.^۴

شبکه های اجتماعی (Social Networks) سایت هایی هستند که به اعضایشان اجازه ساخت صفحات شخصی و برقراری ارتباط و شبکه سازی با دوستان آنلاین را می‌دهند. در این شبکه ها کاربران علاقه مندی ها، عقاید و افکار و فعالیت های خود را با دیگران به اشتراک گذاشته و به تبادل نظر می‌پردازند. در این شبکه ها افراد می‌توانند دوستان جدیدی از سراسر دنیا پیدا کنند و یا اینکه دوستان

۱. علی اکبر سیف، روانشناسی برورشی نوین، ص ۳۰ تا ۳۴.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. فست دیکشنری، ۷ تیر ۱۴۰۵، <https://fastdic.com/word/social-media>

۴. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پگاه حوزه، ج ۲۹۱، ص ۶، سایت فقاها.

قدیمی خود را در میان صفحات این شبکه ها جست و جو کنند. این قابلیت که یک جوان بتواند با امثال خود در کشورهای دیگر جهان ارتباط برقرار کند باعث می شود تا این شبکه ها به مکانی برای معرفی ایده های جدید و مورد بحث قرار گرفتن آنها تبدیل شوند. به بیان دیگر، کاربران اینترنتی از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی، می توانند پروفایل ها و صفحات شخصی برای خودشان بسازند.^۱

کاستلز، از مشهورترین جامعه‌شناسان حوزه جامعه‌شناسی شهری، در نظریه جامعه شبکه‌ای تأکید دارد که جامعه شبکه‌ای، یعنی ساختار اجتماعی غالب و مسلط در عصر اطلاعات، حول شکل‌های نوین زمان و فضا سازمان می‌یابد؛ «زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها و گردش اطلاعات». منظور کاستلز از زمان بی‌زمان، به کارگرفتن بی‌وقفه و مداوم فناوری اطلاعاتی ارتباطی نوین برای از میان برداشتن زمان، فشردن سالها و تبدیل آنها به دقیقه و فشردن دقیقه‌ها و تبدیل آنها به لحظه است. از نظر وی، جامعه شبکه‌ای، جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی‌اش، پیرامون شبکه‌ها فعال شده، از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شکل گرفته و انسانها در پیوند با تولید، مصرف، بازتولید، تجربه‌اندوزی و درک قدرت، آن را معنا می‌دهند که این، به صورت فرهنگی تجلی می‌یابد. از نظر کاستلز، عصر اطلاعات، استقلال فرهنگ در برابر بنیان‌های مادی تجربه ماست؛ به این سبب، فرهنگی که برآمده از یکپارچگی ارتباطات الکترونیک و حاکی از پایان عصر مخاطبان گسترده و شکل‌گیری شبکه‌های تعاملی است، فرهنگ مجاز واقعی و یا واقعیت مجازی است که موجب می‌شود قدرت جریان‌های متکثر و متغیر بر جریان‌های قدرت در مفهوم قدیم آن پیشی بگیرد. شبکه‌های اجتماعی، سرویس‌های مبتنی بر وب هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص، پروفایل عمومی یا نیمه‌عمومی ایجاد کنند، با دیگر کاربران ارتباط برقرار کنند و لیستی از ارتباطات خود و دیگران را در سیستم مشاهده و بررسی کنند. در این پژوهش، منظور از شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاینی است که امکان تعامل، اشتراک‌گذاری محتوا، و ارتباط دوسویه میان کاربران را فراهم می‌کنند؛ نظیر اینستاگرام، تلگرام، توییتر، فیس‌بوک، و شبکه‌های داخلی مانند سروش و روبیکا. شبکه‌های اجتماعی با تغییر در ماهیت ارتباطات انسانی، فضایی نوین برای تعاملات اجتماعی ایجاد کرده‌اند که مرزهای جغرافیایی و زمانی را درنور دیده است. شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی هستند

^۱. موسسه پژوهشی امام خمینی، نشریه معرفت، جلد ۱۹۸، ص ۱، سایت فقاقت.

که از یک سایت ساده، مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر، خاصیت اشتراک گذاری را به کاربران خود ارائه می دهند. شبکه های اجتماعی محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می پردازند. در واقع شبکه های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده اند. به طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می گیرد. مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق که همه این ها اطلاعاتی در خصوص هویت فرد فراهم می آورد برقراری ارتباط را تسهیل می گردد. کاربران می توانند پروفایل دیگران را ببینند و از طریق برنامه های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.^۱

فصل دوم: ادبیات علمی و نظریات

۱. جایگاه شبکه های اجتماعی در جامعه پذیری نسل جدید

جامعه پذیری فرایندی است که طی آن فرد هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری جامعه را فرا می گیرد و به عضوی مسئول در جامعه تبدیل می شود. در گذشته این فرایند عمدتاً از طریق تعامل مستقیم با اعضای خانواده، معلمان و محیط اجتماعی صورت می گرفت، اما در عصر ارتباطات، رسانه های دیجیتال به ویژه شبکه های اجتماعی، نقش مهمی در انتقال ارزش ها و شکل دهی نگرش های نسل جدید بر عهده گرفته اند. کودکان و نوجوانان امروزی که از آنان با عنوان «نسل دیجیتال» یاد می شود، از سنین پایین با تلفن های هوشمند، اینترنت و شبکه های اجتماعی آشنا می شوند. این آشنایی زودهنگام موجب شده است بخش قابل توجهی از یادگیری های اجتماعی آنان نه در محیط واقعی، بلکه در فضای مجازی شکل گیرد. بسیاری از رفتارهای ارتباطی، شیوه بیان احساسات، انتخاب الگوهای رفتاری، نوع پوشش، سبک زندگی و حتی ارزش گذاری های اخلاقی آنان تحت تأثیر محتوایی است که در شبکه های اجتماعی مشاهده می کنند. از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان بسیاری از رفتارهای خود را از طریق مشاهده و الگوبرداری می آموزند. در گذشته الگوهای رفتاری بیشتر والدین، معلمان و افراد برجسته جامعه بودند، اما امروزه این نقش تا حد زیادی به تولیدکنندگان محتوا، اینفلوئنسرها و شخصیت های

۱. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصیریان.

مشهور فضای مجازی منتقل شده است. این تغییر، فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی را برای تربیت اجتماعی نسل جدید ایجاد کرده است.^۱

۲. ویژگی‌های رشدی کودکان و نوجوانان در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی

تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر همه گروه‌های سنی یکسان نیست. کودکان ۷ تا ۱۲ سال هنوز در مرحله شکل‌گیری شخصیت، یادگیری مهارت‌های ارتباطی و رشد قضاوت اخلاقی قرار دارند. در این دوره، قدرت تشخیص واقعیت از تبلیغات رسانه‌ای و همچنین توانایی تحلیل انتقادی اطلاعات هنوز به‌طور کامل رشد نکرده است؛ ازاین‌رو این گروه بیش از سایرین در معرض تأثیرپذیری از محتوای فضای مجازی قرار دارند.

در دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سال)، نیاز به استقلال، هویت‌یابی، تعلق به گروه همسالان و کسب پذیرش اجتماعی افزایش می‌یابد. شبکه‌های اجتماعی در این مرحله می‌توانند بستری برای ارضای این نیازها باشند؛ اما اگر استفاده از آنها بدون نظارت و آموزش صورت گیرد، ممکن است نوجوان برای کسب محبوبیت، تقلید از الگوهای نامناسب یا حضور در چالش‌های پرخطر مجازی ترغیب شود.

در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۱ سال نیز هرچند قدرت تحلیل شناختی و تصمیم‌گیری رشد بیشتری یافته است، اما همچنان تأثیرپذیری از جریان‌های رسانه‌ای، تبلیغات، فشار گروه‌های مجازی و شکل‌دهی نگرش‌های اجتماعی ادامه دارد. به همین دلیل، آموزش سواد رسانه‌ای در همه این مراحل ضروری است.^۲

۳. شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت یا تهدید؟

یکی از مباحث اساسی در مطالعات رسانه‌ای، چگونگی ارزیابی نقش شبکه‌های اجتماعی است. برخی پژوهشگران این شبکه‌ها را ابزاری برای توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت مدنی، تسهیل یادگیری و تقویت ارتباطات می‌دانند، در حالی که گروهی دیگر بر آسیب‌هایی همچون کاهش تعاملات

۱. نظریه یادگیری اجتماعی، ساروخانی، ۱۳۹۶

۲. نظریه یادگیری اجتماعی، بندورا، ۱۰۷۷

خانوادگی، اعتیاد رسانه‌ای، انزوای اجتماعی، تضعیف هویت فرهنگی و افزایش رفتارهای پرخطر تأکید می‌کنند.

واقعیت آن است که شبکه‌های اجتماعی ذاتاً نه فرصت‌اند و نه تهدید؛ بلکه نوع استفاده از آنها، میزان آگاهی کاربران، کیفیت نظارت خانواده و سطح سواد رسانه‌ای تعیین می‌کند که این فناوری چه تأثیری بر تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان بر جای بگذارد. هرچه استفاده از این ابزار با آموزش، مدیریت زمان، انتخاب محتوای مناسب و نظارت والدین همراه باشد، آثار مثبت آن افزایش یافته و از آسیب‌های احتمالی کاسته خواهد شد.^۱

۴. نقش خانواده در مدیریت تربیت اجتماعی در عصر شبکه‌های اجتماعی

با گسترش رسانه‌های دیجیتال، نقش خانواده نه تنها کاهش نیافته، بلکه اهمیت بیشتری یافته است. والدین نخستین الگوی رفتاری فرزندان هستند و نوع استفاده آنان از فضای مجازی، بر رفتار کودکان تأثیر مستقیم دارد. خانواده‌ای که گفت‌وگوی مؤثر، اعتماد متقابل و نظارت آگاهانه را در کنار آموزش سواد رسانه‌ای دنبال می‌کند، می‌تواند زمینه استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی را فراهم آورد.

نظارت مؤثر به معنای ممنوعیت مطلق یا کنترل افراطی نیست؛ بلکه هدف آن آموزش مسئولیت‌پذیری، تقویت قدرت انتخاب و ایجاد توانایی تشخیص محتوای مفید از محتوای زیان‌آور است. والدین باید با حضور فعال در زندگی دیجیتال فرزندان، آنان را در انتخاب دوستان مجازی، حفظ حریم خصوصی، مدیریت زمان و رعایت اخلاق در فضای مجازی یاری کنند.^۲

شبکه‌های اجتماعی به یکی از مؤثرترین عوامل تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان تبدیل شده‌اند. این شبکه‌ها در کنار خانواده، مدرسه و گروه همسالان، نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها، شکل‌دهی هویت اجتماعی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و ایجاد نگرش‌های فرهنگی دارند. از این رو، نمی‌توان آنها را صرفاً تهدید یا صرفاً فرصت دانست. تأثیر این رسانه‌ها به میزان آمادگی خانواده، کیفیت آموزش، سطح سواد رسانه‌ای و نحوه استفاده کاربران وابسته است. هرچه تعامل میان خانواده، مدرسه و

۱. ژان پیازه، رشد شناختی، ۱۹۷۲.

۲. همان.

نهادهای فرهنگی در هدایت صحیح استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، زمینه رشد متوازن شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان نیز تقویت خواهد شد و آثار منفی این فناوری کاهش می‌یابد.

۵. نظریه‌های مطرح در مراحل رشد و تربیت اجتماعی کودکان

الف) نظریه ژان پیاژه

مرحله اول: ژان پیاژه از دانشمندانی بود که علاوه بر مطالعه رشد فکری کودکان، به قضاوت اخلاقی آنها نیز علاقه‌مند بود و همچنین وقت خود را در تمام زندگی‌اش بر مطالعه کودکان و نوجوانان قرار داد. پیاژه به مشاهده‌ی کودکان سنین مختلف، که مشغول بازیهای قانون‌مند مثل تپله بازی بودند پرداخت. با مشاهده کودکان، پیاژه به این نتیجه رسید که درک کودکان از قوانین، در چهار مرحله روی می‌دهد. مرحله اول، در آغاز دوره پیش عملیاتی ظاهر می‌شود. در این مرحله، کودکان به بازی می‌پردازند. بازی موازی زمانی هست که کودکان جدا از هم بازی می‌کنند به این معنا که هر کودک به تنهایی بازی می‌کند اما به کارهایی که کودک دیگر انجام می‌دهد توجه خاصی دارند. هر یک از دو کودک خردسال اسباب بازی خودش را دارد و با آن بازی می‌کند اما به بازی نفر دیگر نیز نگاه می‌کند. وقتی کودک برای خودش بازی می‌کند، طبیعتاً بازی وی، اگر قوانینی داشته باشد، ساخت خودش و برای خودش است. مثلاً، ممکن است کودک تپله‌ها را به گروههایی بارنگهای مختلف تقسیم کند، یا ابتدا همه تپله‌های بزرگ را در سراسر اتاق پخش کند، و بعد تپله‌های کوچک را پخش کند. این قوانین، به بازی کودک مقداری نظم و قاعده می‌دهند، اما به طور دائم عوض می‌شوند و هیچ هدف جمعی (همکاری یا رقابت) ندارند. پیاژه این دوره را مرحله پیش اخلاقی می‌نامند. به عقیده وی، کودکان پیش اخلاقی به قوانین زیاد اهمیت نمی‌دهند با آن‌ها زیاد آگاه نیستند. در تپله بازی، آن‌ها به طور سیستماتیک و با قصد برنده شدن بازی نمی‌کنند و در عوض، قوانین خودشان را می‌سازند و فکر می‌کنند که هدف از بازی، نوبتی بازی کردن و لذت بردن است.^۱

مرحله دوم: ژان پیاژه قائل است که از حدود ۵ تا ۱۰ سالگی، کودکان احساس می‌کنند که باید از قوانین پیروی کنند. پیاژه این دوره را مرحله اخلاق دگر مختار یا دگر پیرو گذاشت. پیاژه می‌گوید:

۱. مهدی گنجی، زمینه روانشناسی اتکینسون و هلیگارد، ج ۱، ص ۱۶۷ تا ۱۶۹.

کودکان، قوانین را دستورات اخلاقی می‌دانند که افراد بالادست (مثل پدر و مادر) اعلام کرده است. قوانین، دائمی، مقدس و غیر قابل تغییر می‌باشد. پیروی یا اطاعت از آنها مهمتر از هرگونه دلیل انسانی برای تغییر آنهاست. کودک ۶ ساله‌ای که، کنار شما، در ماشین نشسته است، اگر ببیند که با سرعت زیاد رانندگی می‌کند و چراغ قرمزها را رد می‌کنید، به شدت اعتراض خواهد کرد. حتی اگر این کار را به این علت انجام دهید که خودتان را به سرعت به بیمارستان برسانید، کودک خردسالتان کار شما را قانون شکنی و رفتاری غیر قابل قبول خواهد دانست که مستحق مجازات است. کودکان دگر مختار یادگر پیرو قوانین را، قوانین اخلاقی محض می‌دانند. آنها همه موضوعات اخلاقی را سیاه و سفید، درست و غلط می‌پندارند و برای آنها، درست، همیشه به معنای رعایت قوانین است.

در این مرحله، کودکان اعمال خود و دیگران را براساس پیامد، و نه براساس نیت پشت سر آن قضاوت می‌کنند. پیاژه به کودکان می‌کرد. در یکی از داستانها به آنها می‌گفت که پسر بچه‌ای، وقتی می‌خواست یواشکی و بدون اجازه از کابینت آشپزخانه بیسکویت بردار، لیوان را انداخت و شکست. پیاژه از کودکان پرسید که کدام یک از این دو بچه بی‌تربیت تر است کودکان مرحله اخلاقی دگر پیرو می‌گفتند، کودکی که صدمه بیشتری به وسایل خانه زده بی‌تربیت تر است. آنها به انگیزه پشت سر این اعمال اهمیت نمی‌دادند.

مرحله سوم: پیاژه این مرحله را مرحله اخلاق خود مختار نام گذاری کرده است که ۱ یا ۱۱ سالگی شروع می‌شود.

در این مرحله، کودک به تدریج متوجه می‌شود که بعضی قوانین، قراردادهای (عرفهای) اجتماعی هستند. قرارداد اجتماعی، عبارت است از توافقی‌های جمعی، که اگر همه موافقت کنند، می‌توان آنها را عوض کرد. واقع بینی اخلاقی کودکان نیز عوض می‌شود. به هنگام قضاوت اخلاقی، کودکان خودمختار، به ملاحظات انتزاعی (مثلاً، نیت افراد) نیز اهمیت می‌دهند و مجازات را واقعیتی می‌دانند که انتخاب انسانهاست نه قانون الهی که غیر قابل اجتناب باشد. آنها متوجه می‌شوند که، برای رفع نیازهای انسان، می‌توان قوانین را نقض کرد. به این ترتیب، راننده‌ای که برای رسیدن به بیمارستان چراغ قرمز را رد می‌کند، آدم بدی نیست، هرچند قوانین را شکسته است.

مرحله چهارم: این مرحله طبق نظریه پیاژه با آغاز مرحله تفکر عملیات صوری همزمان است. کودکان دوست دارند قوانین بسازند، حتی برای رویدادهایی که هرگز با آنها مواجه نشده‌اند. مهمترین خصومت این دوره، روشی ایدئولوژیک برای استدلال اخلاقی است که، در مقایسه با رویدادهای شخصی و میان فردی، به مسائل اجتماعی وسیعتر می‌پردازد.^۱

۲. نظریه فروید

مرحله اول: (مرحله دهانی)؛ فروید، به دلیل اینکه هدف از برانگیخته شدن و آفرینش را در کسب لذت و پایان دادن به اضطراب و تنش می‌داند؛ قائل اند که فرد حتی از موقعی که متولد می‌شود به دنبال ارضای غریزه جنسی است و در نظر فروید مراحل شخصیت در دوران آغاز تولد تا ۲ سالگی دهانی است و کودک از طریق دهان غریزه جنسی خود را ارضا می‌کند.^۲

مرحله دوم: (مرحله مقعدی)؛ فروید قائل است که از ۱۸ ماهگی تا سه سالگی، مرحله مقعدی می‌باشد که کودک با نگه داشتن ادرار و مدفوع خود احساس لذت و لذت جنسی می‌برد و علت این مبنا برمی‌گردد به نگاه فروید که علت آفرینش و برانگیختگی انسان را در کاهش دادن به تنش‌های درونی و از بین بردن استرس می‌داند.

مرحله سوم: (مرحله آلتی)؛ طبق مبنای فروید در این مرحله، ناحیه تناسلی به عنوان ناحیه شهوت‌زا اولیت می‌یابد. بنابر این رفتارهای مرتبط با آلت، شامل خود تحریک‌گری و ادرار کردن، برای زندگی شهوانی کودک از اهمیت محوری برخوردار می‌شوند. به عقیده فروید، ادرار کردن چه از جهت دفع یا نگه‌داری ادرار، امری لذت بخش است. در این مرحله، چیزی است که فروید آن را عقده ادیپ می‌نامد^۳ این اصطلاح برگرفته از یک افسانه یونانی در نمایشنامه ادیپ شهریار است که در آن، ادیپ، ندانسته پدر خود را به قتل می‌رساند و یا مادر خود ازدواج می‌کند.

به عقیده فروید، کودکان در این خمرحله، نسبت به والد جنس مخالف خود میل جنسی پیدا می‌کنند. به دنبال این امر، آنان والد جنس موافق را رقیبی برای خود محسوب می‌کنند و درباره حذف او

۱. همان، ج ۱، ص ۱۶۷ تا ۱۶۹.

۲. مجتبی حیدری، روان‌شناسی شخصیت، ص ۲۷.

۳. Oedipus complex.

به منظور وصلت با والد جنس مخالف، به خیال پردازی می‌پردازند. هنگامی که کودک نسبت به والد جنس مخالف خود میل جنسی پیدا می‌کنند، از والد جنس موافق، که اکنون یک رقیب محسوب می‌شود، بیمناک می‌شوند. پسر بچه در خیال پردازی‌های خود تصور می‌کند که پدرش یا اخته کردن او، از او انتقام خواهد گرفت. این ترس آن چیزی است که فروید اضطراب اختگی می‌نامد. وحشت فزاینده از اختگی، پسر بچه را به دست کشیدن از رقابت با پدر، و همانندسازی با او سوق می‌دهد. با انجام این کار، پسر بچه می‌تواند به صورت نیابتی به هدف خود دست یابد. همانندسازی پسر با پدر خود همچنین به درون فکنی ارزش‌های اخلاقی و انگیزشی پدر، که زیربنای فرامن پسر را تشکیل می‌دهد منجر شود. در مقابل، تصور فروید آن بود که این مسیر در مورد دختر بچه صادق نیست. به عقیده او، دخترها، به دلیل نداشتن آلت مردانه، نمی‌توانند اضطراب اختگی را تجربه کنند؛ در نتیجه، آنان بسیار کمتر از پسرها جهت دست کشیدن از کشش نسبت به والد جنس مخالف، یعنی پدر، و درون فکنی ارزش‌های جنس موافق، یعنی مادر، برانگیخته می‌شوند. به نظر می‌رسد در این مرحله از تحول روانی-جنسی، دخترها که متوجه نداشتن آلت مردانه می‌شوند، غبطه آلت را تجربه می‌کنند و از احساس حقارت ناشی از آن رنج می‌برند. برای غلبه بر این اندوه، فروید اظهار می‌دارد که دخترها از طریق تخیل به دست آوردن یک آلت، با این ناراحتی، به طور موقتی کنار می‌آیند اما این امر نمی‌تواند موجب انحلال کامل عقده ادیپ در آنان شود؛ لذا عقده ادیپ در دخترها، به طول کامل انحلال نمی‌باید.

تثبیت در مرحله آلتی م برک، ۲۰۱۸، مهارت اجتماعی می‌تواند به فردی با یک شخصیت خود شیفته خودخواه یا شهوانی منجر شود. شهوانی بودن چنین شخصی را می‌توان در اشکال مختلف روابط با جنس مخالف شامل ازدواج‌های متوالی چند همسری یا چند شوهری مشاهده نمود. شخصیت آلتی جنسیت را به عنوان ابزاری جهت تخلیه تنش‌های هیجانی به کار می‌برد و غالباً روابط جنسی او سطحی و فاقد عشق و محبت است. تثبیت در این مرحله که در پسر بچه در دوره شدیدترین اضطراب اختگی رخ می‌دهد ممکن است ممکن است در بزرگسالی باعث جذب شدن در جنبش‌های ضد فرهنگی شود. چنین فردی از آرمان‌های افراطی یا تغییرات اجتماعی پشتیبانی می‌کند.

از سوی دیگر به تصور فروید با جریت بودن یا نیرومندی یک زن و رقابت او با مردان شاهی بر تثبیت او در مرحله آلتی و شکست در بحران ادیپی به شیوه‌ای رضایت بخش می‌باشد. این شکست به چیزی که فروید آنرا عقده نرین گمی نامید می‌انجامد. ناتوانی دختر بچه در پذیرش نداشتن آلت به معنای آن است

که او تبدیل به زنی خواهد شد که بر عمل کردن مانند یک مرد تثبیت شده است. در نتیجه همه زنان هل کار از دید نظریه پردازان سنت گرای فرویدی یک تثبیت آسیب شناختی را نشان می دهند.^۱

مرحله چهارم: مرحله نهفتگی (شش سالگی تا بلوغ): مرحله نهفتگی، مرحله استراحت و توقف در تحول جنسی کودک است. در این مرحله غرایز جنسی سرکش به خواب می روند و کودک به سوی قلمروهایی مانند بازی و سرگرمی، فعالیت های درسی، ورزش، و گسترش دوستی با کودکان همجنس در قالب همبازی، روی می آورد. همچنین مرحله نهفتگی، امکان تعلیم و تربیت و آموزش انضباط و اطاعت از قواعد و دستورات به کودک را ممکن می سازد.

می توان گفت مرحله نهفتگی، مرحله کاهش تعارض ها، تعدیل بسیاری از زمینه ها و آماده شدن برای پذیرش زندگی اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی است.^۲

مرحله پنجم: مرحله تناسلی طبق تصور فروید نوجوان در این مرحله با شرایط جدیدی که بر اثر تغییرات به وقوع پیوسته در دستگاه تناسلی، ایجاد شده و اضطراب های شدید را به وجود آورده است، سازش می یابد و بدین ترتیب، تعادل از دست رفته از نو برقرار می شود.

در مرحله تناسلی، نواحی شهوت زا مراحل قبل که در بدن پراکنده بودند، در ناحیه تناسلی به یک نوع همگرایی و تمرکز دست می یابند. تحول جنسی درست از همان جایی که در زمان انحلال عقده ادیپ رها شده بود، از سر گرفته می شود و با شدت بیشتری، البته با علاقه نوجوان به جانشین های آرمانی شده والدین ادامه می یابد.

در این مرحله به تدریج تمایلات جنسی افزایش می یابند. این تمایلات در ابتدا از طریق فعالیت استثنایی بروز می یابند؛ اما در ادامه و با استقرار نوجوانی، فرد به سوی انتخاب موضوع جنسی قطعی از جنس مخالف سوق داده می شود.

در نظام فروید، شخصیت تناسلی، نمونه آرمانی شخصیت محسوب می شود. فردی که توانسته از تمام مراحل قبل بدون تثبیت در آنها عبور کند، انسانی بالیده و رشد یافته است که مسئول روابط

^۱. مجتبی حیدری، روان شناسی شخصیت، ص ۲۸

^۲. همان، ص ۳۲

اجتماعی-جنسی خود است. و از عشق دگر جنس خواهانه احساس لذت می کند فروید معتقد است برای آنکه افراد به شخصیت تناسلی دست یابند، می باید انفعال و بی ارادگی دوران کودکی نخستین-یعنی زمانی را که محبت، امنیت، آسایش جسمانی، در واقع همه عوامل خشنودی به آسانی در دسترس بودند و هیچ انتظار متقابلی وجود نداشت، کنار بگذارند. آنان باید کار کنند، ارضای غرایز را به تاخیر بیندازند، در مسائل مربوط به زندگی اجتماعی به شیوه ای گرم و محبت آمیز مشارکت جویند، و بالاتر از همه، نقش فعال تری در فائق آمدن بر مشکلات زندگی خود بر عهده گیرند.^۱

۳. نظریه و دیدگاه اسلام:

مرحله اول: از مراحل رشد و تربیت اجتماعی از دیدگاه دینی و اسلامی از تولد تا بلوغ می باشد. که روش تربیتی کودک در این دوره با دوره های دیگر متمایز هست.^۲

مرحله دوم: طبق مبانی اسلامی از بلوغ تا ۱۸ سالگی مرحله دوم زندگی می باشد.^۳

مرحله سوم: از ۱۸ سالگی تا ۲۸ سالگی می باشد که همان دوره جوانی و بزرگسالی است.

مرحله چهارم: از ۲۸ سالگی تا ۳۵ سالگی می باشد.

طبق روایت نقل شده از امام صادق (علیه السلام): آنگاه که انسان به ۳۵ سالگی می رسد، به منتهی الیه رشد دست یافته است؛ اما از سن ۴۰ به بعد نیرویش کاستی می گیرد.

همچنین از امیرالمومنین (علیه السلام) روایت شده که منتهای رشد عقلی انسان از ۳۵ سالگی است و آنچه آدمی از آن به دست می آورد، تجربه است.

^۱ همان، ص ۳۲ و ۳۳.

^۲ مجتبی حیدری، روان شناسی شخصیت، همان، ص ۱۸۸ و سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲.

^۳ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۲.

(فصل سوم): تأثیر شبکه های اجتماعی

الف. اثرات مثبت شبکه های اجتماعی بر نوجوانان

با گسترش فناوری های ارتباطی، شبکه های اجتماعی به یکی از مهم ترین ابزارهای ارتباطی در زندگی کودکان و نوجوانان تبدیل شده اند. این شبکه ها علاوه بر ایجاد تحول در شیوه های ارتباطی، نقش مهمی در آموزش، انتقال فرهنگ، شکل گیری هویت اجتماعی و توسعه مهارت های فردی و اجتماعی ایفا می کنند. هرچند در بسیاری از پژوهش ها بر آسیب های فضای مجازی تأکید شده است، اما نادیده گرفتن ظرفیت های مثبت این فناوری، تصویری ناقص از واقعیت ارائه می دهد. استفاده هدفمند و آگاهانه از شبکه های اجتماعی می تواند زمینه رشد اجتماعی، افزایش سرمایه فرهنگی و تقویت مهارت های ارتباطی نسل جدید را فراهم سازد.

از دیدگاه علوم تربیتی، هر رسانه ای که بتواند زمینه یادگیری، تعامل اجتماعی و رشد شخصیت را فراهم کند، در صورت مدیریت صحیح، می تواند به عنوان یک ابزار تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، بررسی آثار مثبت شبکه های اجتماعی در فرآیند تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

۱. تقویت ارتباط اجتماعی

در شرایطی مثل همه گیری کرونا یا مهاجرت، شبکه های اجتماعی به نوجوانان کمک کرده اند که روابط خود را حفظ کنند و احساس تعلق بیشتری داشته باشند^۱.

۲. رشد مهارت های ارتباطی و هویتیابی

یکی از مهم ترین آثار مثبت شبکه های اجتماعی، توسعه مهارت های ارتباطی است. کودکان و نوجوانان از طریق این شبکه ها می آموزند چگونه افکار، احساسات و دیدگاه های خود را با دیگران در میان بگذارند. مشارکت در گفت وگوهای گروهی، تعامل با همسالان و حضور در انجمن های آموزشی، مهارت سخن گفتن، گوش دادن، همکاری و احترام به دیدگاه دیگران را تقویت می کند.

^۱. برک، ۲۰۱۸، مهارت اجتماعی.

پژوهش‌های حوزه علوم ارتباطات نشان داده‌اند که تعاملات مجازی، در صورت همراه بودن با آموزش صحیح، می‌تواند اعتماد به نفس اجتماعی نوجوانان را افزایش دهد و آنان را برای حضور مؤثر در جامعه آماده سازد. البته این امر زمانی تحقق می‌یابد که ارتباطات مجازی جایگزین روابط واقعی نشود، بلکه مکمل آنها باشد پلتفرم‌ها می‌توانند ابزار خوبی برای کشف علاقه‌ها، استعدادها و هویت شخصی باشند. نوجوانان از طریق تولید محتوا و گفتگوهای آنلاین یاد می‌گیرند خود را ابراز کنند.^۱

۳. دسترسی به آموزش و اطلاعات

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی، دسترسی آسان به منابع آموزشی است. امروزه بسیاری از مؤسسات آموزشی، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی از طریق شبکه‌های اجتماعی محتوای آموزشی خود را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. کودکان و نوجوانان می‌توانند از این فرصت برای یادگیری زبان‌های خارجی، مهارت‌های هنری، علوم رایانه، برنامه‌نویسی، مهارت‌های زندگی و سایر موضوعات علمی استفاده کنند.

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی، دسترسی آسان به منابع آموزشی است. امروزه بسیاری از مؤسسات آموزشی، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی از طریق شبکه‌های اجتماعی محتوای آموزشی خود را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. کودکان و نوجوانان می‌توانند از این فرصت برای یادگیری زبان‌های خارجی، مهارت‌های هنری، علوم رایانه، برنامه‌نویسی، مهارت‌های زندگی و سایر موضوعات علمی استفاده کنند. یوتیوب، اینستاگرام آموزشی و انجمن‌های علمی فرصت یادگیری موضوعات متنوعی را فراهم می‌کنند؛ از مهارت‌های فنی گرفته تا زبان و هنر.^۲

۱. همان.

۲. ویگوتسکی، ۱۹۷۸،

۴. آگاهی اجتماعی و فعالیت مدنی

شبکه‌های اجتماعی زمینه مشارکت کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و خیریه را فراهم می‌کنند. آشنایی با فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت در پویش‌های فرهنگی، همکاری در برنامه‌های محیط زیستی و کمک به نیازمندان از جمله فعالیت‌هایی است که از طریق این شبکه‌ها گسترش یافته است.

چنین مشارکت‌هایی موجب تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، همکاری، نوع‌دوستی و احساس تعلق به جامعه می‌شود. نوجوانی که در فعالیت‌های اجتماعی حضور فعال دارد، بهتر می‌تواند نقش شهروند مسئول را در آینده ایفا کند. نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از محیط زیست، کمک‌های مردمی یا مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که حس مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

۵. تقویت هویت فرهنگی و دینی

برخلاف تصور رایج، شبکه‌های اجتماعی تنها ابزار انتقال فرهنگ‌های بیگانه نیستند؛ بلکه در صورت تولید محتوای مناسب، می‌توانند بستری برای معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی، ارزش‌های اخلاقی، تاریخ، ادبیات و آموزه‌های دینی باشند.

امروزه بسیاری از مراکز فرهنگی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با تولید محتوای جذاب، زمینه آشنایی نسل جوان با معارف اسلامی، سیره اهل بیت (ع)، تاریخ ایران و ارزش‌های ملی را فراهم کرده‌اند. استفاده صحیح از این ظرفیت، موجب تقویت هویت فرهنگی و افزایش احساس تعلق نسل جوان به جامعه خواهد شد.^۱

۶. رشد سواد رسانه‌ای

یکی دیگر از آثار مثبت شبکه‌های اجتماعی، افزایش سواد رسانه‌ای است. کودکان و نوجوانانی که تحت آموزش صحیح قرار می‌گیرند، به تدریج می‌آموزند اخبار صحیح را از اخبار جعلی تشخیص دهند، منابع معتبر را شناسایی کنند، تبلیغات رسانه‌ای را تحلیل کنند و از حریم خصوصی خود محافظت نمایند.

^۱. هیلاری پاتنم، ۲۰۰۰.

سواد رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی در قرن بیست و یکم محسوب می‌شود و آموزش آن باید از سال‌های نخست دبستان آغاز گردد. مدارس و خانواده‌ها نقش مهمی در توسعه این مهارت دارند.^۱

۷. توسعه خلاقیت و نوآوری

شبکه‌های اجتماعی محیط مناسبی برای بروز استعدادها و خلاقیت‌های کودکان و نوجوانان فراهم کرده‌اند. تولید محتوای آموزشی، طراحی گرافیکی، ساخت فیلم‌های کوتاه، نویسندگی، عکاسی، برنامه‌نویسی و تولید آثار هنری از جمله فعالیت‌هایی است که بسیاری از نوجوانان از طریق فضای مجازی به آن روی آورده‌اند. این فعالیت‌ها علاوه بر افزایش اعتمادبه‌نفس، زمینه رشد مهارت‌های شغلی آینده را نیز فراهم می‌کند. بسیاری از کسب‌وکارهای نوپا توسط نوجوانانی آغاز شده که نخستین تجربه‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی کسب کرده‌اند.

۸. تقویت سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به معنای اعتماد، همکاری، مشارکت و ارتباطات مؤثر میان اعضای جامعه است. استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند. ارتباط مستمر با اعضای خانواده، دوستان، معلمان و گروه‌های علمی موجب تقویت اعتماد متقابل و گسترش روابط اجتماعی سالم می‌شود.

همچنین این شبکه‌ها امکان تبادل تجربه میان دانش‌آموزان، والدین و معلمان را فراهم می‌کنند و زمینه مشارکت بیشتر خانواده در فرآیند تربیت را افزایش می‌دهند.

۹. ارتقای مهارت حل مسئله

کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی با دیدگاه‌های گوناگون، مسائل متنوع و تجربیات مختلف آشنا می‌شوند. این تنوع اطلاعات، در صورت هدایت صحیح، قدرت تحلیل، تصمیم‌گیری و حل

مسئله را افزایش می‌دهد. حضور در گروه‌های علمی و آموزشی نیز موجب تقویت تفکر انتقادی و مهارت تصمیم‌گیری می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی در صورت استفاده صحیح و همراه با نظارت خانواده و نظام آموزشی، می‌توانند به ابزاری مؤثر در فرآیند تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان تبدیل شوند. توسعه مهارت‌های ارتباطی، افزایش مشارکت اجتماعی، دسترسی گسترده به منابع آموزشی، رشد سواد رسانه‌ای، تقویت هویت فرهنگی، پرورش خلاقیت و افزایش سرمایه اجتماعی، از مهم‌ترین آثار مثبت این فناوری به شمار می‌روند. با این حال، تحقق این ظرفیت‌ها نیازمند آموزش مستمر، ارتقای آگاهی والدین، حضور فعال مدارس و تدوین سیاست‌های فرهنگی مناسب است. تنها در چنین شرایطی می‌توان از فرصت‌های فضای مجازی در جهت رشد متوازن شخصیت اجتماعی نسل آینده بهره‌برداری کرد.

ب. اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر کودکان و نوجوانان

۱. افسردگی و اضطراب:

پژوهش‌های بین‌المللی (از جمله مطالعات سازمان جهانی بهداشت و انجمن روان‌پزشکی آمریکا) نشان داده‌اند که استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در ساعات شب، می‌تواند باعث افزایش علائم افسردگی، اضطراب و کاهش عزت‌نفس در نوجوانان شود.

۲. اعتیاد به فضای مجازی:

الگوریتم‌های پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، تیک‌تاک و یوتیوب به گونه‌ای طراحی شده‌اند که کاربر را برای استفاده طولانی‌مدت جذب کنند. کودکان ممکن است دچار «وابستگی دیجیتال» شوند؛ حالتی که بدون گوشی احساس اضطراب، خشم یا بی‌قراری می‌کنند.

۳. زورگویی سایبری: (Cyberbullying)

زورگویی آنلاین یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای سلامت روانی نوجوانان است. قربانیان زورگویی سایبری معمولاً دچار افسردگی، انزوا و افت تحصیلی می‌شوند. نقش والدین در تشخیص سریع این رفتارها حیاتی است.

۴. اختلال خواب و کاهش تمرکز:

استفاده از تلفن همراه در ساعات پایانی شب باعث اختلال در ترشح ملاتونین و کاهش کیفیت خواب می‌شود. کم‌خوابی مداوم در نوجوانان با کاهش تمرکز، افت تحصیلی و تحریک‌پذیری ارتباط مستقیم دارد.

۵. نارضایتی از تصویر بدن:

دیدن تصاویر فیلترشده و غیرواقعی از چهره و اندام دیگران در شبکه‌های اجتماعی، باعث مقایسه^۱ منفی و نارضایتی از ظاهر می‌شود. این موضوع در دختران نوجوان شایع‌تر است اما در پسران نیز دیده می‌شود.

۶. تهدیدات امنیتی و حریم خصوصی:

کودکان اغلب بدون درک خطرات، اطلاعات شخصی خود را منتشر می‌کنند. این رفتار می‌تواند منجر به سوءاستفاده، کلاهبرداری یا ارتباط با افراد غریبه شود.^۱

(فصل چهارم):

راهکارهای تربیتی برای مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان (۷ تا ۲۱ سال)

رشد روزافزون فناوری‌های ارتباطی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، سبک زندگی نسل جدید را به طور چشمگیری دگرگون ساخته است. امروزه فضای مجازی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی کودکان و نوجوانان تبدیل شده و نقش مهمی در آموزش، سرگرمی، ارتباطات و جامعه‌پذیری آنان ایفا می‌کند. با وجود فرصت‌های فراوان این فناوری، استفاده بدون برنامه و فاقد نظارت می‌تواند پیامدهای تربیتی، اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی متعددی به همراه داشته باشد. از این رو، ضروری است خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی با همکاری یکدیگر زمینه بهره‌برداری صحیح از این فناوری را فراهم آورند.

^۱. همان.

هدف از این فصل، ارائه راهکارهایی است که ضمن حفظ مزایای شبکه‌های اجتماعی، از آسیب‌های احتمالی آن بر تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان جلوگیری کند.

۱. نقش خانواده در مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است و بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری شخصیت کودک دارد. هیچ نهاد اجتماعی دیگری نمی‌تواند نقش والدین را در آموزش ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های اجتماعی ایفا کند. به همین دلیل، مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی باید از محیط خانواده آغاز شود.

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، افزایش آگاهی خود درباره فضای مجازی است. والدینی که شناخت کافی از شبکه‌های اجتماعی ندارند، نمی‌توانند فرزندان خود را به‌درستی هدایت کنند. آشنایی با قابلیت‌ها، تهدیدها، تنظیمات امنیتی و شیوه‌های نظارت والدین، نخستین گام در تربیت رسانه‌ای فرزندان است.

راهکار دیگر، تعیین قوانین مشخص برای استفاده از تلفن همراه و اینترنت است. تعیین ساعت استفاده، ممنوعیت استفاده هنگام صرف غذا، محدود کردن استفاده پیش از خواب و اختصاص زمان‌هایی برای گفت‌وگوی خانوادگی، از جمله اقداماتی است که موجب ایجاد تعادل میان زندگی واقعی و مجازی می‌شود.

همچنین والدین باید به جای کنترل افراطی، از شیوه «نظارت همراه با گفت‌وگو» استفاده کنند. گفت‌وگو درباره محتوای مشاهده‌شده، آموزش تشخیص اخبار جعلی، آشنایی با خطرات فضای مجازی و ایجاد اعتماد متقابل، اثربخشی بیشتری نسبت به ممنوعیت‌های سخت‌گیرانه دارد.

۲. نقش مدرسه و نظام آموزشی

پس از خانواده، مدرسه مهم‌ترین نهاد تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان است. با توجه به گسترش فضای مجازی، آموزش مهارت‌های رسانه‌ای باید به بخشی از برنامه درسی مدارس تبدیل شود.

آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بتوانند منابع معتبر را از منابع نامعتبر تشخیص دهند، تبلیغات رسانه‌ای را تحلیل کنند، حریم خصوصی خود را حفظ نمایند و در برابر شایعات و اخبار جعلی مقاومت کنند.

همچنین مدارس می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین، آنان را با فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی آشنا سازند. همکاری مستمر خانواده و مدرسه، نقش مهمی در کاهش آسیب‌های فضای مجازی خواهد داشت.

استفاده از شبکه‌های اجتماعی آموزشی نیز باید به‌عنوان یک فرصت مورد توجه قرار گیرد. ایجاد گروه‌های علمی، آموزش مجازی، معرفی کتاب و فعالیت‌های پژوهشی می‌تواند نگرش دانش‌آموزان را نسبت به استفاده هدفمند از فضای مجازی تغییر دهد.

۳. نقش رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی

رسانه‌های عمومی، سازمان‌های فرهنگی، مراکز دینی و نهادهای آموزشی نقش مهمی در فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی دارند. تولید محتوای آموزشی متناسب با گروه‌های سنی مختلف، معرفی الگوهای موفق، آموزش مهارت‌های زندگی دیجیتال و ترویج اخلاق رسانه‌ای از جمله وظایف این نهادها است.

همچنین لازم است رسانه‌های داخلی محتوایی جذاب، علمی و متناسب با نیازهای نسل جدید تولید کنند تا کودکان و نوجوانان برای تأمین نیازهای آموزشی و سرگرمی خود کمتر به منابع نامعتبر خارجی وابسته شوند.

۴. آموزش سواد رسانه‌ای

امروزه سواد رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی محسوب می‌شود. منظور از سواد رسانه‌ای، توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و تولید پیام‌های رسانه‌ای است.

کودکی که از سواد رسانه‌ای برخوردار باشد:

اخبار جعلی را تشخیص می‌دهد.

فریب تبلیغات را نمی‌خورد.

حریم خصوصی خود را حفظ می‌کند.

از انتشار اطلاعات شخصی خودداری می کند.

زمان استفاده از شبکه های اجتماعی را مدیریت می کند.

مسئولانه در فضای مجازی رفتار می کند.

آموزش این مهارت باید از سال های نخست دبستان آغاز شود و تا پایان دوره دانشگاه ادامه یابد.

۵. راهکارهای روان شناختی

روان شناسان تربیتی بر این باورند که بسیاری از آسیب های فضای مجازی ناشی از ضعف مهارت های فردی است. بنابراین آموزش مهارت های زیر ضروری است:

مدیریت هیجان

کنترل خشم

افزایش عزت نفس

مهارت نه گفتن

تصمیم گیری منطقی

حل مسئله

تفکر انتقادی

مدیریت زمان

تقویت این مهارت ها موجب می شود نوجوانان کمتر تحت تأثیر فشار همسالان و جریان های رسانه ای قرار گیرند.

۶. راهکارهای اسلامی در تربیت رسانه‌ای

در آموزه‌های اسلامی، تربیت فرزند بر پایه عقلانیت، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و اعتدال استوار است. اگرچه در متون دینی سخنی از شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد، اما اصول کلی اسلام می‌تواند راهنمای استفاده صحیح از فناوری‌های نوین باشد.

قرآن کریم مسلمانان را به تحقیق درباره اخبار فرا می‌خواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...»

این آیه یکی از مهم‌ترین مبانی مقابله با انتشار شایعات در فضای مجازی محسوب می‌شود.

همچنین خداوند می‌فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...»

این آیه بر ضرورت خودداری از انتشار مطالب بدون علم و آگاهی تأکید دارد.

درباره حفظ حریم خصوصی نیز قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَجَسَّسُوا...»

این اصل، امروزه یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاق در فضای مجازی محسوب می‌شود.

در روایات اسلامی نیز بر حفظ آبروی مؤمن، صداقت در گفتار، پرهیز از غیبت، تهمت و اشاعه فحشا تأکید فراوان شده است که همگی در رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی کاربرد مستقیم دارند.

۷. راهکارهای پیشنهادی برای سیاست‌گذاران

برای مدیریت صحیح استفاده از شبکه‌های اجتماعی، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

تدوین برنامه ملی آموزش سواد رسانه‌ای.

۱. حجرات، آیه ۶

۲. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۴. سوره حجرات آیه ۱۲.

آموزش والدین در مراکز فرهنگی و مدارس.

تولید شبکه‌های اجتماعی بومی متناسب با نیاز کودکان.

حمایت از تولید محتوای آموزشی و فرهنگی.

تدوین قوانین حمایت از کودکان در فضای مجازی.

توسعه سامانه‌های نظارت والدین.

تقویت همکاری میان آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رسانه ملی.

انجام پژوهش‌های مستمر درباره آثار اجتماعی فناوری‌های نوین^۱.

نتیجه این فصل این است که شبکه‌های اجتماعی واقعیتی انکارناپذیر در زندگی نسل جدید هستند و حذف یا نادیده گرفتن آنها نه ممکن است و نه مطلوب. راهکار اساسی، مدیریت آگاهانه، آموزش صحیح و بهره‌گیری هدفمند از این فناوری است. خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی باید با همکاری یکدیگر، زمینه رشد سواد رسانه‌ای، تقویت مهارت‌های زندگی و گسترش اخلاق دیجیتال را فراهم آورند.

در پرتو چنین رویکردی، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند از یک عامل تهدیدکننده به ابزاری برای رشد شخصیت، توسعه سرمایه اجتماعی، ارتقای فرهنگ عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی کودکان و نوجوانان تبدیل شوند. دستیابی به این هدف، مستلزم برنامه‌ریزی جامع، آموزش مستمر و مشارکت همه نهادهای مسئول در امر تربیت است.

فصل پنجم

الگوی پیشنهادی تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان در عصر شبکه‌های اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی و یافته‌های علوم تربیتی

تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه‌های تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. امروزه شبکه‌های اجتماعی نه تنها ابزاری برای ارتباط و سرگرمی، بلکه محیطی برای یادگیری، انتقال ارزش‌ها، شکل‌گیری هویت و جامعه‌پذیری نسل جدید به شمار می‌روند. از این رو، نظام تربیتی خانواده، مدرسه و جامعه دیگر نمی‌تواند بدون توجه به فضای مجازی، وظایف خود را به‌درستی انجام دهد.

مطالعات علوم تربیتی نشان می‌دهد که اثربخشی تربیت اجتماعی در عصر دیجیتال زمانی افزایش می‌یابد که میان خانواده، مدرسه و جامعه هماهنگی وجود داشته باشد و آموزش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری دیجیتال به‌صورت مستمر دنبال شود. همچنین پژوهش‌های حوزه تعلیم و تربیت اسلامی تأکید می‌کنند که استفاده از رسانه‌های اجتماعی باید در چارچوب ارزش‌های اخلاقی، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی هدایت شود تا زمینه رشد شخصیت متوازن کودکان و نوجوانان فراهم آید.

۱. مبانی الگوی پیشنهادی

الگوی پیشنهادی این پژوهش بر سه مبنای اساسی استوار است:

الف) مبانی اسلامی: در نگرش اسلامی، انسان موجودی اجتماعی است که رشد او در پرتو ایمان، اخلاق، علم و مسئولیت‌پذیری تحقق می‌یابد. قرآن کریم بر تحقیق در اخبار، رعایت حرمت دیگران، پرهیز از شایعه‌پراکنی و حفظ حریم خصوصی تأکید کرده است. این اصول، امروزه نیز می‌توانند مبنای اخلاق حضور در فضای مجازی باشند.

ب) مبانی روان‌شناختی: نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که کودکان بخش مهمی از رفتارهای خود را از طریق مشاهده و الگوبرداری می‌آموزند. بنابراین محتوای شبکه‌های اجتماعی و رفتار والدین، معلمان و الگوهای رسانه‌ای تأثیر مستقیمی بر رشد اجتماعی آنان دارد. همچنین مطالعات جدید

نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری دیجیتال فرایندی دوسویه است و والدین و فرزندان بر شیوه استفاده یکدیگر از رسانه‌های دیجیتال اثر می‌گذارند.

ج) مبانی جامعه‌شناختی: جامعه‌پذیری موفق زمانی شکل می‌گیرد که خانواده، مدرسه و جامعه ارزش‌های مشترکی را به نسل جدید منتقل کنند. در عصر دیجیتال نیز این سه نهاد همچنان مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری هستند، اما باید نقش رسانه‌های نوین را نیز در این فرایند به رسمیت شناخت. پژوهش‌های جدید بر ضرورت هم‌افزایی این سه نهاد برای تربیت اجتماعی کودکان تأکید دارند.

۲. ارکان الگوی پیشنهادی

الف. خانواده؛ نخستین کانون تربیت دیجیتال

خانواده همچنان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک است. والدین باید افزون بر آموزش ارزش‌های اخلاقی، نقش «الگوی مصرف رسانه‌ای» را نیز ایفا کنند. استفاده متعادل از شبکه‌های اجتماعی، گفت‌وگو با فرزندان درباره محتوای رسانه‌ای، آموزش حفظ حریم خصوصی و نظارت آگاهانه، از ارکان این نقش است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که گفت‌وگوی مستمر والدین با فرزندان درباره رسانه‌ها، از کنترل صرف مؤثرتر است و موجب رشد مسئولیت‌پذیری و استقلال فکری نوجوانان می‌شود.

ب. مدرسه؛ محور آموزش سواد رسانه‌ای

مدرسه باید آموزش سواد رسانه‌ای را در کنار مهارت‌های زندگی و اخلاق اجتماعی به‌صورت نظام‌مند دنبال کند. دانش‌آموزان باید بیاموزند که چگونه منابع معتبر را تشخیص دهند، اخبار جعلی را شناسایی کنند، از اطلاعات شخصی خود محافظت کنند و در فضای مجازی رفتار مسئولانه داشته باشند.

استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش، زمانی اثربخش خواهد بود که همراه با آموزش اخلاق دیجیتال، تفکر انتقادی و مسئولیت اجتماعی باشد.^۱

۱. اکبری، کمال، سواد رسانه‌ای در عصر رسانه‌های نوین.

۳. جامعه و نهادهای فرهنگی

رسانه‌های عمومی، مراکز فرهنگی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای دینی باید با تولید محتوای آموزشی و فرهنگی متناسب با سن کودکان و نوجوانان، زمینه استفاده صحیح از فضای مجازی را فراهم کنند. همچنین توسعه برنامه‌های آموزشی برای والدین و مربیان، یکی از مؤثرترین راهکارهای کاهش آسیب‌های فضای مجازی است.

۳. ویژگی‌های الگوی مطلوب تربیت اجتماعی

الگوی پیشنهادی این پژوهش دارای ویژگی‌های زیر است:

خانواده‌محور و مدرسه‌پشتیان؛

مبثنی بر ارزش‌های اسلامی و اخلاق اجتماعی؛

تقویت‌کننده سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی؛

متکی بر تعامل مستمر خانواده، مدرسه و جامعه؛

بهره‌گیری از ظرفیت‌های مثبت شبکه‌های اجتماعی برای آموزش، مشارکت اجتماعی و رشد فرهنگی؛

پیشگیرانه در برابر آسیب‌هایی مانند اعتیاد رسانه‌ای، اخبار جعلی، خشونت کلامی، قلدری سایبری و نقض حریم خصوصی^۱.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی به خودی خود نه عامل تربیت صحیح هستند و نه منشأ آسیب؛ بلکه کیفیت استفاده از آنها، میزان آگاهی کاربران و هماهنگی میان خانواده، مدرسه و جامعه، تعیین‌کننده پیامدهای تربیتی این فناوری است. بر همین اساس، الگوی پیشنهادی حاضر بر سه محور تربیت اخلاقی، سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی استوار است. اجرای چنین الگویی می‌تواند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی شبکه‌های اجتماعی، از بسیاری از

۱. احمدی، احمد، روان‌شناسی تربیتی.

آسیب‌های فردی و اجتماعی پیشگیری کرده و زمینه تربیت نسلی آگاه، مسئول و دارای هویت فرهنگی و دینی را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

تربیت اجتماعی کودکان یکی از مهم‌ترین ارکان شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی آنان به شمار می‌رود و کیفیت این فرایند، آثار عمیقی بر آینده خانواده، جامعه و نظام فرهنگی هر کشور بر جای می‌گذارد. در عصر فناوری‌های نوین ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین محیط‌های یادگیری، ارتباط و جامعه‌پذیری کودکان تبدیل شده‌اند و در کنار خانواده، مدرسه و گروه همسالان، سهم قابل توجهی در شکل‌دهی به باورها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی آنان یافته‌اند. از این رو، بررسی آثار این رسانه‌ها بر تربیت اجتماعی کودکان، ضرورتی انکارناپذیر برای نظام تعلیم و تربیت، سیاست‌گذاران فرهنگی و خانواده‌ها محسوب می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی ماهیتی دوگانه دارند و نمی‌توان آنها را صرفاً فرصت یا صرفاً تهدید دانست. این رسانه‌ها در صورت استفاده آگاهانه، هدفمند و همراه با نظارت تربیتی، می‌توانند بستری برای رشد مهارت‌های ارتباطی، افزایش سواد رسانه‌ای، تقویت خلاقیت، توسعه سرمایه اجتماعی، گسترش یادگیری و ارتقای هویت فرهنگی و دینی کودکان باشند. در مقابل، استفاده بی‌ضابطه، افراطی و فاقد هدایت تربیتی از این فضا، زمینه بروز آسیب‌هایی مانند کاهش تعاملات واقعی، تضعیف روابط خانوادگی، وابستگی رسانه‌ای، الگوبرداری از الگوهای ناسازگار با فرهنگ اسلامی - ایرانی، افت مهارت‌های اجتماعی، اختلال در رشد عاطفی و آسیب به سلامت روان را فراهم می‌سازد.

از منظر تربیت اسلامی نیز، رشد متوازن کودک در گرو تعامل سازنده میان خانواده، مدرسه، جامعه و محیط فرهنگی است. آموزه‌های اسلامی بر نقش والدین، نظارت آگاهانه، الگوسازی صحیح، اعتدال در بهره‌گیری از امکانات و پرورش عقلانیت و مسئولیت‌پذیری تأکید دارند. بنابراین، استفاده از شبکه‌های اجتماعی باید در چارچوب این اصول و با رعایت موازین اخلاقی و تربیتی صورت گیرد تا این فناوری به ابزاری برای رشد انسان تبدیل شود، نه عاملی برای تضعیف هویت و ارزش‌های اجتماعی.

بر این اساس، تحقق تربیت اجتماعی مطلوب در عصر دیجیتال مستلزم همکاری هماهنگ خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و دستگاه‌های سیاست‌گذار است. توسعه آموزش سواد

رسانه‌ای از دوره دبستان، توانمندسازی والدین، تولید محتوای سالم، جذاب و متناسب با نیازهای کودکان، تقویت پلتفرم‌های بومی، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و تدوین سیاست‌های حمایتی برای صیانت از کودکان در فضای مجازی، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند زمینه بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی را فراهم سازد.

در نهایت، باید پذیرفت که آینده تربیت اجتماعی کودکان بیش از آنکه به وجود یا عدم وجود شبکه‌های اجتماعی وابسته باشد، به شیوه حکمرانی، کیفیت آموزش، سطح سواد رسانه‌ای و میزان مسئولیت‌پذیری خانواده و جامعه بستگی دارد. هر اندازه این عوامل تقویت شوند، امکان تبدیل شبکه‌های اجتماعی از یک تهدید بالقوه به فرصتی ارزشمند برای رشد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نسل آینده افزایش خواهد یافت و زمینه تحقق تربیت متوازن، مسئولانه و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی فراهم خواهد شد.

منابع

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، دار و مکتبه الهلال، بیتا.
۲. میالاره، گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، شماره چاپ دوم، تهران، موسسه انتشار و چاپ دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۵.
۳. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ ۵۲، تهران، تابستان ۱۳۹۱،
نشر دوران.
۴. هوکسما- سوزان نولن، فردریکسون- باربارال، لافتس- جف، و گنار- ویلم، زمینه روانشناسی اتکینسون و هلیگارد، ترجمه مهدی گنجی، دانشگاه تهران، انتشارات ساوالان، ۱۳۹۱.
۵. احمدی، احمد (۱۳۹۸). روانشناسی تربیتی. تهران: سمت
۶. اکبری، کمال، سواد رسانه ای در عصر رسانه های نوین، قم، چاپ ۱۴۰۵، دانشکده صداوسیما.
۷. پارسا، محمد، روانشناسی رشد، تهران، بعثت، ۱۳۹۷.
۸. شریعتمداری، علی (۱۳۹۴). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
۹. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۳). مبانی تعلیم و تربیت. تهران: آستان قدس رضوی
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات
۱۱. محمدی، م.، و احمدی، س. (۱۴۰۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مهارت‌های اجتماعی نوجوانان»
۱۲. فصلنامه مطالعات تربیتی. رضایی، ع. (۱۳۹۹).
۱۳. «سواد رسانه‌ای و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان». پژوهشنامه تعلیم و تربیت.